



۲۰۱۶/۰۶/۳۰

مسعود فارانی



تاریخ اصلی را مراجع زر و زور همیشه به نفع خود تعریف و تحریف کرده اند. زمانیکه ناگزیر به ذکر وقایع و رخدادهای حقیقی تاریخی شده اند، آنگاه کوشش کرده اند تا اهمیت آنرا کم رنگ جلوه داده از برجستگی آن جلوگیری نمایند. بطور مثال ترویج و پیاده کردن زبان پارسی در هند که بوسیله کی این امر تحقق پذیرفت بیشتر از انتظار مردم بدور مانده شده است. درحالیکه این رویداد یکی از حوادث بس مهم و روشن در تاریخ زبان پارسی در هند میباشد.

لودی ها و ترویج زبان دری در قاره هند

در پایان دو سلسله سلاطین افغانی در هند، یکی **غوری ها** و دیگری **خلجی ها**، سلسله لودی ها در صحنه سیاسی هند ظهور کرد. گرچه قبل از سلطان **بهلول لودی**، **شیخ حمید لودی** طی سالهای (370-380 هـ ق) در منطقه **مُلتان** منحصراً حکمرانی کرده بود، اما از نیمه قرن پانزدهم میلادی، **سلطان بهلول لودی** به حیث سر سلسله شاهان لودی در نیمقاره هند شناخته شده است. **لودی ها** قبل از **مغلهها** تمدن بزرگی را در هند اساس گذاشته اند.



سلطان بهلول لودی تاریخ و سرنوشت بسیار جالب دارد که خواندن آن در کنار کسب آگاهی از وقایع تاریخی، حلاوت خاصی را نیز دارا میباشد.

سلطان بهلول لودی:

جواری بنام «**بهلول لودی**» که در طفولیت بنام «**بلو**» یاد می شد، فرزند **ملک کالا** و نواسه **بهرام خان** بود. وی قبل از تولد، پدرش را و در هنگام تولد مادر را از دست داد و تحت سرپرستی و حمایت کاکایش **اسلام خان حاکم «سرهند»** در هندوستان قرار گرفت. **اسلام خان** برادرزاده اش **بهلول لودی** را

که تازه جوان شده بود به یکی از جنگها فرستاد. **بهلول** درین جنگ شهادت، شجاعت و درایت از خود نشان داد که از آن پیروزبدر آمد و این پیروزی همه را مجذوب وی ساخت، بخصوص کاکایش **اسلام خان** چنان تحت تاثیر شجاعت و درایت **بهلول** قرار گرفت که وی را به دامادی پذیرفت. **اسلام خان** همچنان هنگام مرگ با وجود داشتن سه پسر وصیت کرد که **بهلول** بنابه لیاقت و شجاعت میتواند جانشین او قرار گیرد، اما دولت **دهلی بهلول** را بحیث والی قبول نکرد و بجای وی کاکای دیگرش **فیروزخان** را مؤظف ساخت تا وظیفه حکمرانی «**سرهند**» را در دست بگیرد و برای سرکوب **بهلول** قوای مجهزی را از مرکز فرستاد. اما **فیروز خان** که آدمی دور اندیش و لایقی بود و به برادر زاده اش **بهلول** محبت و احترام زیاد داشت تقررش را بجای **بهلول** از طرف **دهلی** یک نوع تفرقه اندازی در میان اعضای فامیل خود دانسته غرض مقابله باقوای **دهلی** خود به مقابله برخاست و به **بهلول** اجازه نداد تا درگیر جنگ باقوای دولتی شود. چون نیروهای دولتی زیاد بود، **فیروزخان** بعد از نبردی مختصر بدست قوای دولتی اسیر شد و پسرش شاهین خان به قتل رسید و بدین گونه حکمرانی «**سرهند**» از اقتدار **لودی** ها خارج گردید.

درین وقت زمام هند را شخصی بنام **سلطان سید محمدشاه** از خاندان **خضرخان** سادات در **دهلی** بدست داشت. فرمانروای هند گرچه شخص حلیم و دانشمندی بود، اما به شیطنت و سعایت عده بی از مغرضین دربار در ساحه نفوذ **لودی** ها، مداخله کرد که در نتیجه **لودی** ها از حکمرانی «**سرهند**» برای مدت کمی سبکدوش شدند.

بهلول بعد از اسارت کاکایش **فیروز خان** مسولیت خانواده های کاکا و پسرکاکایش را بدوش گرفت و با متانت در آن وضعیت حساس به جمع آوری نیروی تازه دست زد و بزودی نیروی بزرگی مرکب از 20 هزار نفر را تحت فرمان خود در آورد. **بهلول** با این نیرو توانست دوباره زمام ولایت **سرهند** را بدست گیرد و بعد درنامه مفصلی تمام حقایق را به **سلطان سید محمد** خاطر نشان کرد و پادشاه را متوجه اشتباه اش ساخت و ضمناً خود را مطیع دولت **سلطان محمد** اعلام نمود. **سلطان سید محمدشاه** که از حقیقت قضیه باخبر شد غرض جبران اشتباه خود، **ملک بهلول لودی** را از جمله مقربین دربار خود شناخت درحضور اراکین دربار رسماً وی را بحیث فرزند خویش اعلام نمود و به او مثل فرزندش احترام قابل شد. البته این امر بعد از آن صورت گرفت که در سال ۱۴۴۰ میلادی **سلطان سید محمدشاه** بکمک **بهلول لودی** حکمران «**سرهند**»، **دهلی** را از دست **سلطان محمود خلجی** متصرف شد. موفقیت بدست آمده توسط **ملک بهلول لودی** موقعیت او را بطور قابل ملاحظه ای در **دهلی** و سرزمینهای مجاور تقویت کرد.

از آنجای که سن فرزند اصلی **سید محمد شاه** بنام **سید علاوالدین** نسبت به **بهلول** کمتر بود **سید علاوالدین**، ولیعهد، **بهلول لودی** را برادر بزرگ خود خطاب میکرد و احترام زیادی به او مرعی میداشت. زمانیکه **سیدمحمد شاه** وفات کرد (1447م)، ولیعهد پسرش **سید علاوالدین** بر تخت سلطنت **دهلی** تکیه زد. چون **سید علاوالدین** شخص استراحت طلب بود، بزودی شیرازه امور بر اثر اختلاف با وزیر اعظم خود **حمیدخان**، از نزدش پاشید. **حمیدخان** بطور پنهانی از ایالت «**بداون**» به **دهلی** رفت و به توطنه علیه **سلطان علاء الدین** پرداخت. هنگامی که **ملک بهلول لودی** **دهلی** را از وجود **حمیدخان** تصفیه نمود، به **علاء الدین خان** در «**بداون**» پیغام فرستاد تا به **دهلی** بیاید و امور سلطنت را بدست گیرد، مگر **علاء الدین** به **ملک بهلول** پیغام داد که: **توبرادر بزرگ من هستی**، از طرف من سلطنت بتو مبارک باشد. و بیعت خود را به وی نیز اعلام نموده به درباریان خود گفت: پدرم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پاوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

اورا بحیث فرزند بزرگ خود می شناخت، از جانب دیگر صداقت و بزرگواری او در امور مردم و مملکت سزاوار این است تا تاج و تخت را برایش اهدا کنیم ."

به این ترتیب بهلول لودی بحیث سیاستمداری مدبر، دور اندیش و صادق به تاریخ 1451 میلادی به سلطنت هندوستان رسید . سکه و خطبه بنام او منحیث سلطان بزرگ در بخش اعظم هند جاری شد. مناطقی مثل: **چونپور**، **دهولپور** و **سند** راکه هنوز تحت قلمرو دولت هند نبودند، ضمیمه دولت مرکزی ساخت و قلمرو دولت دهلی را وسعت بیشتری بخشید. سلطان بهلول با تمام بزرگی اش، انسانی شکسته نفس، متواضع، با انصاف، عادل، یک دوست مهربان و یک دشمن برده بار و متحمل بود. او بر تخت سلطنت نمی نشست و نشستن بر زمین را برتخت ترجیح میداد . تاریخ از او حکایت میکند که سلطان بهلول همیشه از باریکی های زندگی و خصوصیات روانی رعیت خود مسؤلانه باخبر بود. اگر روزی سرداری و یا امیری از زیر دستانش از وی آزرده خاطر میشد، شخصاً بیدارش میرفت و او را در آغوش میگرفت و بعداً شمشیرش را دو دستی در پیشروی او میگذاشت و سر فرازان بدون ریا و تردید می گفت :



اگر به نظر خودت من لیاقت پادشاهی را ندارم مرا بوظیفه دیگری بگمارید !"

سلطان بهلول به فقرا و بیوایان بیشتر از هر کس مهربان بود، از دانشمندان، علما و خبرگان حمایت و قدرانی میکرد . رسیدن مردم را نزد خود چنان سهل ساخته بود که هر کس میتوانست بدون مشکلات او را ببیند و ملاقات کند. او در کنار دانش سیاسی والا، شاعر چیره دست زبان پنتونیز بود . نمونه کلامش :

**ملک به زرغون کرم په ورکه راسه گوره ، ورخی داد له پاسه
خول می دعدل په درو رون دی جهان به زیب مومی زما له لاسه**

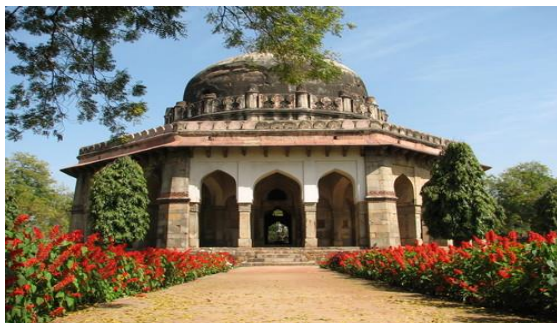
همین خبرگی و عدالت او بود که توانست در فضای کاملاً آرام مدت 38 سال بدون جبر و ستم بر مردم و اطرافیان سلطنت کند . این ابرمرد، بتاريخ 1489 میلادی به عمر هشتاد سالگی چشم از جهان بست و پسرش **شهزاده نظام خان** ملقب **یکی از ابدات دوره لودی ها در لودی گاردن دهلی**

به **سلطان سکندر لودی** سلطان بخش اعظم هندوستان شد و زبان دری را در هند مروج ساخت.

سلطان سکندر لودی و ترویج زبان دری در هند

سلطان سکندر لودی فرزند **سلطان بهلول لودی** چون بسیار عمیق از فیض و برکات پدر به ارث برده بود (فقط در امور اداری نسبت به پدر سختگیر بود) صفات و مشخصات بزرگمناشانه پدر را در خود کامل داشت. سلطان **سکندر لودی** بتاريخ 1489 م به سلطنت هند رسید، چون انسان منضبط بود توانست بعد از وفات پدر سلطنت هند را بیشتر وسعت بخشد. به این ترتیب بیشترین زمان فرمانروایی وی غرض تصرفات در جنگ و لشکر کشی ها در هند گذشت. بطور مثال در سال 1495 میلادی «**پتته**» را و در سال 1499 میلادی قلعه مستحکم «**نرولی**» را در «**مالوه**» و در سال 1500 و 1501 میلادی منطقه «**سنبل**» و بعداً «**گوالیار**» را و بعد از آن تمام علاقه «**بهار**» را و سپس «**رنتمبور**» را به قلمرو سلطنت خود ملحق ساخت . سلطنت او از دریای **جهلم** تا به **بنگال** بسیار وسعت پیدا نمود.

سلطان سکندر بر مردم و رعایا بسیار مهربان بود، روزمره نرخنامه های اشیای ضروری مردم را منطقه به منطقه می طلبید و شخصاً بررسی و کنترل میکرد. آنچه بسیار قابل قدر و یاد آوری ازین سلطان نیکخو میدانند اینست که این سلطان مدبر افغانی با آنکه پشتون تبار است مگر زبان و رسم الخط دری را در تمام هند رایج و عمومیت بخشید. دفتر و دیوان و حسابداری دربار را امر کرد تا من بعد بزبان پارسی دری تنظیم شود . اولین کسی که بزبان پارسی دری صحبت را بین درباریان آغاز کرد خود **سلطان سکندر لودی**، سلطان محبوب ملت هند بود که در دربار



وسیع کشور چون هند بزبان دری صحبت نمود و ادبای دری زبان را در دربار بیشتر جای داد. بنابه علاقه **سلطان سکندر** و محبوبیت وی بین مردم، روز بروز علاقمندی مردم بزبان پارسی دری بیشتر و بیشتر می شد و شاعران زیادی هندی به این زبان روی می آوردند. تحت همین جو ادبی رایج شده بوسیله **سلطان سکندر لودی** بود که در زمان او برای اولین بار وزیر دانشمند طبیب و ادیب بزرگ هند بنام «**میان بهوه**» کتابی طبی مهمی را از **زبان سانسکریت** به زبان پارسی دری ترجمه کرد و بنام **سلطان سکندر** اهداء نمود، که بنام «**طب سکندری**» تا کنون مشهور است. به تعقیب آن همین شخص کتابی دیگری را که حاکی از گزارشات جالب دربار – **عکس فوق : آرامگاه سلطان سکندر لودی در دهلی جدید** سلطان میباشد، بنام «**دربار سکندری**» به زبان پارسی دری نوشت. **سلطان سکندر** خودش شاعر شناخته شده در زبان پشنتو و دری بود. اوبه زبان پشنتو «**گلرخی**» تخلص میکرد.

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

سلطان سکندر زبان دیگر کشورش را که «دری پارتی» باشد برابر با زبان مادری خود «پښتو» دوست می داشت و با علاقه در ترویج آن کوشا بود. **سلطان سکندر لودی** بنابه داشتن ذوق بلندش گفته بود: **ازینکه من پښتونم، زبان دیگرکشورم را «دری» در هند رایج کردم و اگر من غیر پښتون می بودم در آنصورت زبان «پښتو» را رایج میکردم.** از قول دوست گرامی ام، دانشمند ملی، پروفیسور رشید، استاد پوهنتون نهری، در جای تذکر میدهند که: «... در دربارهای لودی مطابق اثر معروف این دوره واقعات مشتاقی تمام محافل و مجالس و فیصله های درباری بزبان پشتو صورت میگرفت و بعداً تمام آن بزبان دری که زبان رسمی کتابت و پخش بود، ثبت می گردید. چهارده حکمران ولایتی سکندر لودی به تمام اقوام افغان ساکن در هند ارتباط داشت که همه با زبان پشتو صحبت میکردند و با زبان دری آشنا بودند.»

سرانجام **سلطان نظام خان یا سکندر لودی** بتاريخ 21 نومبر سال 1517 منحیث دومین فرمانروای **پشتون تبار** دودمان لودی یا سلطان اعظم دهلی چشم از جهان فرو بست. **سلطان سکندر لودی** 28 سال یعنی حدود 3 دهه بر بخش بزرگی از هندوستان فرمانروائی کرد که در بسیاری از متون انگلیسی وی را منحیث امپراطور یاد کرده اند. متأسفانه در تاریخنامه ها از خدمات **سلطان سکندر لودی** بخصوص در بخش ترویج زبان و فرهنگ دری کمتر یاد شده است. این خدمت بزرگ **سلطان سکندر لودی** به زبان پارتی دری که بعد ها سبب ایجاد لغت نامه ها، بمیان آمدن شعرای بزرگ دری زبان در هند و چاپ و نشر و کتب فراوان بزبان پارتی دری در آن کشور شد، که از برکت آن ایران امروزه، تاجکستان و افغانستان از لغتنامه های تدوین شده در هند استفاده میکنند. بیشترین منابع تحقیقی قبل از دهه هفتاد قرن بیستم در بین دانشمندان افغانی، ایرانی و تاجیکی، منابع هندی بود که بزبان فارسی کتب بیشماری را به نشر سپرده بودند. روانهای این پدر و فرزند مدبر و فرهنگ دوست، جاودانه شاد و نام نامی شان گرامی و سرفراز باد!

بقول عرفی شاعر: **چنان خوکن به نیکویی که بعد از مردنت عرفی**
مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزاند



سلطان ابراهیم لودی: (1517-1526م)

بعد از درگذشت سلطان سکندر لودی، پسرش سلطان ابراهیم لودی در سال 1517 بر تخت سلطنت هند تکیه زد. او برخلاف خصایل پدر و پدرکلانش، آدم عصبی، بدگمان، خشن و در سیاست مدبر نبود. بر زیر دستان و امیران لشکری و ملکی ظلم میکرد و تعدادی از آنها را بقتل رسانید. ازینرو سلطنت دودمان لودی ها با خیانت و بی اتفاقی خود لودی ها یعنی بوسیله دولت خان لودی حاکم پنجاب و کاکای آزرده خاطرش علاوالدین عالم شاه که برای سقوط دولت سلطان ابراهیم لودی در هند، نزد بایر شاه به کابل رفت و او را تشویق بگرفتن دهلی نمود، بر چیده شد (1526م). اما فراموش نشود که سلطان ابراهیم لودی مردی سخت شجاعی بود و هنگامی که سپاهش در میدان پانی پت از بابر شکست خورد و خود با تنی چند در میدان باقی مانده بود، به او از طرف یکی از سران لشکر مشوره داده شد که از میدان - یکی از آیدات دوره لودی ها در لودی گاردن دهلی فرار کند، مگر او باوجودی که شکست خورده بود و به تنهایی کاری از پیش برده نمیتوانست، مگر مرگ را بر ننگ فرار از میدان ترجیح داد و به پیشباز مرگ مردانه شتافت تا سرانجام در میدان نبرد جان باخت. پایان



دولت خان حاکم پنجاب

این مقاله با استفاده از منابع ذیل تهیه شده است:



- اعلام اللودی فی الاخبار اللودی. کتابی است بزبان پشتو از احمدین سعید لودی که بسال ۶۸۶ ه. ق. / ۱۲۸۷ م. در شرح حال خاندان شاهان لودی نوشته شده و اشعار بهلول لودی در آن کتاب نقل شده است.
- تذکره الاولیای افغان که بعد از سال ۶۱۲ ه. ق. / ۱۲۱۵ م. در ارغسان قندهار نگاشته شده و مؤلف آن سلیمان بن بارک خان قوم ماکو صابزی است. این کتاب شرح حال بسیاری از شعرا و اولیاء افغان را آورده است و بسال ۱۳۱۹ ه. ش. در کابل شش صفحه آن در جلد اول پشتانه شعرا عکس برداری و نشر شده است.
- مروری کوتاهی بر تاریخ افغانستان و قضیه پشتونستان، مؤلف: عتیق پاخون، نومبر 2007، کابل
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
- پوهاند حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، چاپ پشاور، بحث لودیان ملتان، ص 129
- ویکی پدیا بزبان هندی
- اندیا سایت

<http://www.boloji.com/history/008.htm> — <http://www.indiasite.com/delhi/history/sikander.html>

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ